

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۴ نومبر ۲۰۲۲



محمد محق

## جوامع نابالغ و نخبگان ناتوان از گفت و گو

افغانستان یکی از فلاکت‌زده‌ترین کشورهای جهان است و عبور از چنین تنگنایی نیازمند مشارکت و سهم‌گیری همه یا اکثریت نیروهاست، تا دست در دست هم این کشتی طوفان زده را به ساحلی امن و آرام برسانند. نخستین پیش‌شرط هر گونه همکاری، گفت و گوی معطوف به تفاهم است نه هیاوهی معطوف به تخاصم. اگر همه ساکنان یک سرزمین امکان گفت و گو و تفاهم را نداشته باشند، دست کم نخبگانی که به سطح بلندتری از آگاهی، دانش، و تجربه رسیده‌اند باید بتوانند با هم وارد گفت و گو شوند.

گفت و گو چیست؟ برای پی بردن به تفاوت گفت و گو با سایر گونه‌های سخن گفتن شاید بهتر باشد معادل‌های انگلیسی و عربی آن را در نظر بگیریم. در این دو زبان برای سه سطح از همسخن شدن واژه‌های متفاوت وجود دارد، یکی گفت و شنود است، در انگلیسی کانورسیشن و در عربی محادثه یا مکالمه، دیگری گفت و گو است در انگلیسی دیالوگ و در عربی حوار، و دیگری گفت‌مان است، در انگلیسی دیسکورس و در عربی خطاب. این سه سطح از همسخنی بر سه وضعیت جداگانه دلالت دارند. در گفت و شنود عادی، هدف از سخن گفتن گشودن باب نوعی تماس و ارتباط زبانی با طرف مقابل است و بس. اما گفت و گو به معنای دیالوگ که در عربی به آن حوار می‌گویند، معنای عمیق‌تری دارد. وقتی سخن از گفت و گوی تمدن‌ها می‌گوئیم نمی‌شود بگوئیم مکالمه تمدن‌ها. گفت و گوی تمدن‌ها را در عربی می‌گویند حوار الحضارات. دیسکورس معنایی از این عمیق‌تر دارد و به مجموعه‌ای از مفاهیم تشکیل دهنده یک منظومه فکری کلان در یک عصر یا در یک منطقه اطلاق می‌شود، مانند آنچه در فارسی به آن گفت‌مان چپ، یا گفت‌مان فیمینیستی، و در عربی به آن الخطاب الیساری یا الخطاب النسوی می‌گویند.

در گفت و گو این پیش‌فرض نهفته است که اولاً طرف مقابل هم‌سطح شما است، و شما از جایگاهی فراتر یا فروتر با او سخن نمی‌گوئید. ثانیاً، به تفاوت میان خود و او آگاه هستید و این تفاوت را به رسمیت می‌شناسید. ثالثاً، هدف از گفت و گو پی بردن به نقاط اشتراک و نقاط تفاوت است، و رابعاً، تلاشی است برای فهم طرف مقابل در زمینه‌هایی که

متفاوت از شما می‌اندیشد، که به آن می‌گویند تفاهم، یعنی شکل‌گیری فهم متقابل. گفت و گویی که هدف از آن به کرسی نشان دادن نظر خود و قبولاندن آن بر طرف مقابل باشد به آن گفت و گو یا دیالوگ گفته نمی‌شود، بلکه مناظره یا مناقشه می‌گویند که معادل دبیبت یا آرگیومننت است. گفت و گو در اساس خود امری معطوف به فهمیدن طرف مقابل و رسیدن به زمینه‌های همکاری برای حل مشکلی مشترک است.

در افغانستان شکاف‌های متعددی در نیم قرن اخیر شکل گرفته است، از شکاف‌های قومی تا شکاف‌های زبانی، منطقه‌ای، سیاسی، ایدئولوژیکی، فرقه‌ای و مذهبی. تنوع و تکثر در جامعه اگر سبب پیدایش شکاف‌هایی ژرف شود خطری همگانی پدید می‌آید و مسؤولیت همگانی است که برای دفع آن به تفاهم برسند، و برای هر تفاهمی باید گفت و گو کنند. جوامع بالغ و رشد یافته به مهارت‌های قابل توجهی در زمینه گفت و گو دست پیدا می‌کنند و بر سر سخت‌ترین مشکلات خود به راه حل می‌رسند. در جوامع نابالغ، نه تنها عموم مردم، بلکه حتی نخبگان نیز از گفت و گو عاجز هستند، و بر سر هر موضوع ریز و درشتی به پرخاش و هیاهو روی آورده و تسلیم غوغاسالاری می‌شوند. در جایی که امکان گفت و گو و تفاهم از میان برود، جایش را خشم، خشونت، کین و نفرت می‌گیرد، و آن جامعه در باتلاق مصیبت‌هایش بیش‌تر از پیش فرو می‌رود.

آیا نخبگان افغانستان توان گفت و گو با هم را دارند یا این نابالغی همچنان ادامه خواهد داشت؟